

# آسیب‌شناسی خلاقیت کودکان در خانواده

اسماعیل نساچی زاده - اصفهان - اردستان

چیز توجه دانش پژوهان و روان‌شناسان را به خود معطوف کرده است؛ چگونگی رشد و پرورش نیروی «خلاقیت» در کودکان و نوجوانان است که به عنوان یک نیاز عالی بشری در تمام ابعاد زندگی آینده آنان مطرح است.

همه کودکانی که به دنیا می‌آیند دارای توانایی‌های بالقوه خدادادی‌اند. یکی از این توانایی‌ها روحیه «خودنمایی» است که از سال دوم کودکی بروز می‌کند و در پرتو همین روحیه، اختراعات، ابتکارات و پیشرفت‌های علمی و فنی به وجود می‌آید. اگر این توانایی نبود، هیچ‌گاه تمدن صنعتی بشر تا این حد اوج نمی‌گرفت. علم روان‌شناسی باروش‌های «مشاهده» و «تجربه» ثابت کرده است که بهترین زمان برای تربیت و شکوفاکردن استعدادها دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا تمام صفات اکتسابی و الگوهای رفتاری و عادات لازم در این زمان اخذ می‌شود و شخصیت واقعی کودک و نوجوان براساس همین عوامل شکل می‌گیرد. ولی تحقیقات انجام شده نشان داده است که تمام مواهب و مهارت‌هایی که در نهاد کودکان و نوجوانان به ودیعه گذاشته شده، به سبب ایجاد برخی عوامل و موانع به دست فراموشی سپرده شده است که از آن‌ها به عنوان «عوامل آسیب‌زا در خلاقیت» یاد می‌شود.

## عوامل آسیب‌زا در خلاقیت

عوامل آسیب‌زا در خلاقیت، دغدغه‌هایی برای متولیان نظام تعلیم و تربیت در سطح جامعه به وجود آورده است و تهدیدی جدی برای شکوفاشدن استعدادها و توانمندی‌های کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. عوامل آسیب‌زای خلاقیت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:



مقدمه  
بررسی اهداف آموزش و پرورش در سطح جهان نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه، تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی بیندیشند و به جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران، خود مولد دانش، فناوری و فرهنگ مناسب برای زندگی مستقل در «عصر دانایی» باشند. تمام موفقیت‌ها و پیشرفت‌های انسان در گرو اندیشه‌های بارور، پویا و مؤثر است و همه افراد از ویژگی‌های مختلفی برخوردارند که باعث می‌شود آنان بتوانند مهارت‌های خود را در راه‌های جدید به کار اندازند. بنابراین در عصر گسترش روزافزون اطلاعات و ارتباطات، مسئله‌ای که بیش از هر

۱- عوامل فردی (درونی)

۲- عوامل محیطی (بیرونی)

منظور از عوامل فردی عواملی است که به ویژگی‌های فرد مربوط می‌شود و موانع محیطی به موقعیت‌هایی اطلاق می‌گردد که فرد در ارتباط با دیگران دارد.

یکی از عوامل محیطی که در رکود قوه خلاقیت کودکان تأثیر بسزایی دارد، محیط خانواده است. با این که خانواده نخستین پایگاه تربیتی کودکان است و میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد، اما گاهی خانواده‌ها با روش‌های غیرکارآمد که برای تحقق این هدف اعمال کرده‌اند، نه تنها نتیجه مطلوب به دست نیاورده‌اند، بلکه گاهی نتیجه معکوس به بار آمده است.

بنابراین مؤلفه‌های رکود قوه خلاقیت و عدم شکوفایی استعدادها در نهاد خانواده، اشکال و ابعاد مختلف به خود می‌گیرد که نیازمند بررسی دقیق است، ولی به طور اجمال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۱- انتظار بیجای والدین

انتظاراتی که والدین از فرزندان خود دارند، غالباً مبتنی بر ایده‌آل‌ها و آرزوهای خود آن‌هاست، نه واقعیت وجودی کودک. به عنوان مثال انتظار «پیروزی همیشگی» از کودکان و نوجوانان آفت پیشرفت و ترقی آنان است. انتظار پیروزی از هر تلاش و کوشش، اغلب باعث خواهد شد که بچه‌ها از شکست‌هایشان دلسرد شده، به دنبال راه‌حل‌های نو و بدیع نروند. پدران و مادران غالباً بالاترین نوع موفقیت و رشد تحصیلی، فکری، هنری و علمی را از فرزندان خود انتظار دارند و گمان می‌کنند اگر کودکان به نصایح و دستورهای آن‌ها (به میل یا اجبار) دقیقاً عمل کنند، آرزوهای آنان برآورده می‌شود؛ غافل از این که این گونه فشارها و تحمیلات، نتیجه‌ای جز فرسایش روانی کودک و خفه کردن قوه خلاقیت ندارد. بعضی از والدین به علت ناکامی‌های خود در دوران کودکی و نوجوانی، میل دارند آن چه را خود می‌خواسته‌اند به دست آورند و نتوانسته‌اند، فرزندان‌شان به دست آورند.

در تحقق چنین انتظارات نامعقولی است که فشارهای بی‌مورد بر کودک روز به روز افزایش می‌یابد و کودکان ناگزیر به کوشش و تلاش در جهات و رشته‌هایی می‌شوند که با ذوق و استعداد آن‌ها هماهنگی ندارد. والدین با مشاهده موفقیت

فرزندان همسایه، دوست و فامیل در زمینه‌های علمی، هنری و فنی، فرزندان خود را تحت فشار قرار می‌دهند. این فشار نه تنها قوه خلاقیت آن‌ها را شکوفا نمی‌کند، بلکه آن را در درون خفه می‌کند. (اقبالی تبریزی، ۱۳۷۰)

### ۲- بی‌توجهی به نیازهای ضروری کودکان

انسان موجودی است نیازمند و نیازمندی عین ذات و سرشت اوست. دامنه احتیاجات انسان بس وسیع و شامل نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، مادی و معنوی است. مقدار نیاز کودک بسی بیش‌تر از آن است که برخی از والدین حدس می‌زنند. بسیاری از پدران و مادران گمان می‌کنند که نیازهای کودکان در حد غذا، لباس، بازی و اسباب‌بازی است، در حالی که نیازهای بسیاری برای کودک ذکر کرده‌اند که هر کدام از آن‌ها نقش حیاتی برای کودک دارد و غفلت والدین از آن نیازها زمینه را برای بسیاری از نابسامانی‌های زیستی و روانی فراهم خواهد کرد که این امر منجر به عدم شکوفایی قوه خلاقیت کودک می‌شود. (قائمی، ۱۳۷۰)

کودک اشتیاق شدیدی به کاوش دارد و به محض این که بتواند هر چه را که در اطرافش می‌گذرد ادراک کند، برایش تجربه جدید و جالبی می‌شود.

همین که علاقه برای کاوش‌های تازه و بدیع در کودک ظاهر شد، این علاقه به عنوان منبعی انگیزشی برای کاوش و یادگیری بیش‌تر، اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند.

شخصی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارد، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارد.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.

کودکانی که در کودکی به کاوش‌های علمی و فنی علاقه دارند، در بزرگسالی نیز به این کار علاقه دارند.



والدین باید توجه داشته باشند که وقتی برای او یک قایق کوچک اسباب بازی می‌خرند، او را از لذت ساختن قایق با یک قطعه چوب محروم می‌سازند.

والدین باید این نکته را مدنظر داشته باشند که علاوه بر تهیه و خرید اسباب بازی‌های مناسب، سعی کنند با در اختیار قرار دادن ابزارهایی مثل چکش، میخ، کاغذ و وسایل اضافی و دورریختنی، زمینه سازندگی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری کودک را فراهم کنند.

به هنگام ساختن اسباب بازی یا چیزهای دیگر، والدین باید دقت کنند که دخالت آنان در کارهای کودکان هر اندازه کم‌تر باشد، بهتر است. برای مثال اگر کودکی مشغول ساختن اسباب بازی است، نباید والدین به بهانه‌های مختلف عقاید و سلیقه خود را به کودک تحمیل کنند. بهتر است او را آزاد بگذارند تا بتواند تصورات، تخیلات و ابتکارات خود را به طور طبیعی نشان دهد. (مطهری، ۱۳۸۲)

دخالت بزرگ‌ترها به هنگام ساختن اسباب بازی ممکن است آنان را عصبانی یا وابسته بار آورد که در هر صورت به استقلال فکری و حس اعتماد به نفس کودکان صدمه می‌زند.

توجه به نیازهای ضروری، کودک را قادر می‌سازد تا یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین درس‌های سال‌های اولیه زندگی را بیاموزد، و آن درس این است که یاد بگیرد چگونه «بیاموزد» و چگونه «کشف» کند.

سردادن فریاد شادمانه: «من خودم می‌توانم این کار را انجام دهم»، بیانگر توانایی بالقوه کودک در زمینه خلاقیت است. بنابراین در فرایند تربیت، رفع نیازهای ضروری این فرصت را در اختیار کودک قرار می‌دهد تا فعالیت‌های کاوش‌گرانه‌اش را شروع کند و در آینده فردی خلاق و پویا بار بیاید، اما بر عکس کودکی که نیازهای ضروری وی تأمین نشود، منفعل و مقلد بار خواهد آمد و از قوه خلاقیت و پویایی محروم می‌ماند. (پرینگل، میاکلمز، ۱۳۸۰)

### ۳- زیاده‌روی در خرید اسباب بازی

بعضی از والدین همه چیز را برای کودکان به صورت آماده تهیه می‌کنند و خیال می‌کنند با خرید اسباب بازی‌های گران قیمت و زیاد زمینه رشد فکری و شکوفایی استعدادها را کودک را فراهم کرده، خدمت بزرگی به فرزندشان می‌کنند. گرچه تهیه و خرید اسباب بازی برای کودک لازم است، ولی

#### ۴- مخالفت والدین با بعضی از بازی‌ها

بازی تجربه‌ای است که کودک را در خود بسیار غرق می‌کند و برای او حتی بیش‌تر از کار برای بزرگسال، اهمیت دارد. بعضی از والدین به طور ضمنی بیان می‌دارند که بازی ترجیح چندانی بر بیکاری ندارد. (پرینگل، ۱۳۸۰، ص ۷۳-۶۹) در ارتباط با بازی کودکان دیدگاه‌ها و شیوه‌های برخورد والدین، یکسان نیست.

والدین باید نسبت به فواید و اثرات مثبت و سازنده بازی آگاهی‌های لازم را کسب کنند. متأسفانه برخی از والدین به دلیل داشتن دیدگاه سنتی نسبت به تعلیم و تربیت کودکان، فاصله زیادی با دیدگاه‌های علمای جدید تعلیم و تربیت و روان‌شناسی دارند.

عدم اطلاع و آگاهی بعضی از والدین از آثار مثبت و سازنده بازی در پیشگیری و حل مشکلات روحی و روانی کودکان، سبب شده است که والدین از بازی آن‌ها ممانعت کنند. مهم‌ترین علل این امر عبارت‌اند از:

#### الف) کثیف شدن لباس کودکان

کودک نیاز فراوان به جست و خیز و تحرک دارد و هر چیزی که مانع تحرک و آزادی کودک شود برای رشد و شادابی او مضر است. بازی به عنوان رفتاری پویا، فعال و سازنده برای کودک به منزله تنفس برای انسان است. بعضی والدین به خاطر کثیف شدن لباس، کودک را از نیاز اساسی و ضروری بازی محروم می‌کنند.

#### ب) برداشت نادرست والدین از کثافت کاری

بازی با گل، خاک، شن و آب، لذت بخش‌ترین و ارزان‌ترین بازی است که قوه خلاقیت کودکان را تقویت می‌کند. ولی با کمال تأسف باید گفت که اکثر والدین به خاطر برداشت نادرست، کودکان را از گل بازی محروم می‌کنند و با سر و صدا و عصبانیت به او می‌گویند: «چرا کثافت کاری می‌کنی، تو را دوست ندارم؛ رفتارت غیر قابل تحمل است.» این گونه والدین دوست دارند که فرزندانشان همیشه تمیز و مرتب باشند و همانند بزرگسالان رفتار کنند.

آنان دنیای کودک را درک نکرده، روح و روان او را آزوده می‌کنند؛ در حالی که کودک با گل می‌تواند دست به آفرینش و ابتکار بزند.

گل به خاطر شکل‌پذیری و قابلیت انعطاف‌پذیری‌اش، زمینه‌ای را برای کودک فراهم می‌آورد که فکر کند، تصمیم بگیرد و با کمک قوه تخیل و تصورش چیزی را خلق کند. کودک به هنگام بازی با این اسباب‌بازی، نتیجه کار خود را مشاهده می‌کند و تصمیم می‌گیرد آن را به هر شکلی که بخواهد، در آورد.

با توجه به مبانی نظری روان‌شناسان و تجارب و مشاهدات شخصی، گل جذاب‌ترین و ارزان‌ترین اسباب‌بازی است که بسیار مورد علاقه کودکان بوده، جذبه سحرآمیزی دارد که هیچ کدام از وسایل و اسباب‌بازی‌های دیگر با آن برابری نمی‌کند. اگر والدین امکان گل بازی را برای کودکان فراهم کنند تا آن‌ها خودشان با دست و فکر خود اسباب‌بازی‌های مورد نیازشان را بسازند، به مراتب بهتر است. اگر چنین فرصتی ایجاد شود که کودکی بتواند آزادانه فکر کند، قادر خواهد بود که به کمک نیروی ابتکار و ابداع از چیزهای ساده و بی‌اهمیت،





حق تصمیم‌گیری بدهند که بتوانند کار انجام دهند. (جان بک، ۱۳۷۱، صص ۵۵-۵۴)

۶- دوری از موقعیت‌های مبهم در بسیاری موارد، والدین فرزندان خود را از موقعیت‌های پیچیده و مبهم دور می‌کنند و به دنبال روش‌ها و راه‌حل‌های مطمئن و بدون دردسر برای فرزندان خودند. این قبیل والدین ابهام و اشکال در امور را نمی‌پسندند و نمی‌خواهند کودک ذهن خود را مغشوش کند؛ حال آن که توجه به موقعیت‌های مبهم و پیچیده از ویژگی‌های افراد خلاق است. (کریمیان، ۱۳۸۳ ص ۸۶)

۷- عدم تحمل والدین اغلب بچه‌های خلاق حالتی

کودکانه دارند و کارهایشان توأم با ریخت و پاش است. یکی از فواید ریخت و پاش این است که کودک وسایلی مانند میخ، میله‌های فلزی، نخ، سیم‌های نازک و ضخیم، ظروف کهنه، قوطی کنسرو، کارتن، جعبه‌های دارو، کبریت، چوب و تخته‌های اضافی دور ریختنی را در اتاق خود پخش می‌کنند و مدت‌ها سرگرم آن‌ها می‌شود. اگر این ریخت و پاش برای کودک فراهم شود، با دست و فکر خود اسباب‌بازی‌های مورد نیازش را می‌سازد. والدین باید متوجه این امر باشند که ریخت و پاش زمینه‌سازندگی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری کودک را فراهم می‌آورد، اما بعضی از والدین تحمل ریخت و پاش فرزندان خود را ندارند و با خود می‌گویند اگر آشنایان یا همسایه‌ها این ریخت و پاش را ببینند، آبروی آنان خواهد ریخت یا آنان را مورد انتقاد قرار خواهند داد. در این موقع ترس از چیزی که دیگران خواهند گفت یا خواهند دید، سبب می‌شود تا والدین از ریخت و پاش کودکان جلوگیری کنند و امیال و خواست‌های طبیعی فرزندان را قربانی اظهارنظر دیگران یا زشت بودن قضیه کنند و بدین ترتیب مانع شکوفا شدن قوه خلاقیت می‌شوند.



اسباب‌بازی‌های جالب و سرگرم‌کننده بسازد و در آینده به عنوان فردی خلاق و مبتکر در اجتماع حضور پیدا کند.

#### ۵- محیط سرد خانواده

ظهور خلاقیت با فضای محیط خانواده ارتباط نزدیک دارد. تحقیقات زیادی نشان داده است که اگر وضع منزل برای فرزندان آزاد و گرم باشد، هوش و استعداد آنان می‌تواند به عالی‌ترین سطح خود برسد و منجر به بروز قوه خلاقیت شود. ولی اگر محیط خانه سرد و آمرانه باشد، نتیجه معکوس خواهد داشت؛ به عنوان مثال در منزلی که والدین اهمال‌کار، خشن و مستبد باشند، بهره هوشی کودک کم می‌شود، ولی در خانواده‌ای که والدین گرم و دوست‌داشتنی‌اند و با فرزندان با حوصله رفتار می‌کنند، به حرف‌ها و صحبت‌های آن‌ها گوش می‌دهند و به سؤالات آن‌ها جواب‌های صحیح می‌دهند، بهره هوشی آنان افزایش پیدا می‌کند.

یک خانه گرم و آزاد، خانه‌ای است که در آن والدین کارهای خانوادگی را طوری برنامه‌ریزی کنند که به نیازهای کودکان در حال رشد و پیشرفت توجه شود و به آن‌ها آن قدر

فعالیتی که انجام داده است، دریافت می‌کند، ارزشمند است، ولی لازم و ضروری نیست؛ او تصور می‌کند که کارش به انتها رسیده و دیگر نیازی به پی‌گیری و ارایه کارها و روش‌های خلاقانه‌تر نیست. (سلحشور، ۱۳۸۳)

والدین زمانی که به عنوان پاداش از انگیزش‌های بیرونی مثل: دادن پول، هدیه یا جایزه‌های استثنایی استفاده می‌کنند، در حقیقت قوه خلاقیت و نوآوری را در کودک یا نوجوان از بین می‌برند. تحقیقات بسیار نشان داده است که وقتی فکر کودک و نوجوان روی پاداش به عنوان دلیلی برای انجام کار متمرکز شود، انگیزه درونی و خلاقیت آن‌ها تضعیف می‌گردد. بهترین پاداش برای کار خوب، عکس‌العمل یا کارهای غیرملموس است؛ یک لبخند یا تکان دادن سر به نشان تأیید، یک کلمه تشویق‌آمیز و ایجاد فرصت برای انجام کارهای اضافی توسط کودکان و نوجوانان می‌تواند پاداش تلقی شود.

ابراز عقیده و بیان راه‌حل‌های غیرمعمول و خارق‌العاده یکی از نشانه‌ها و مؤلفه‌های خلاقیت است؛ بنابراین نکوهش و سرزنش بچه‌های خلاق باعث خواهد شد که احساس ارزشمندی آنان کاهش یابد و حالت وسواسی به خود بگیرد.

والدین با نکوهش ابراز عقاید فرزندان، آن‌ها را مجبور خواهند کرد که از بیان افکارشان دست بردارند و رفتار جرئت‌ورزانه خود را کاهش دهند.

تبعیض جنسیتی یا تبعیض بین فرزندان از جمله عوامل آسیب‌زای قوه خلاقیت است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با اعمال تبعیض میان فرزندان موجب اختلاف بین آنان و دلسردی‌شان از زندگی می‌شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان موجب سلب اعتماد به نفس در آنان می‌شود.

اگر فرزندان به اطاعت و دنباله‌روی از روش‌های متداول و قواعد خشک و انعطاف‌ناپذیر مجبور و ملزم باشند، به طور چشم‌گیری خلاقیت در آنان نقصان می‌یابد. والدین مسلط و قدرت طلب که نظم افراطی را بر فرزندان‌شان تحمیل می‌کنند، به طور نادانسته و ناخواسته زمینه‌ساز زوال قوه خلاقیت می‌شوند.

بسیاری از کودکان تحت فشار والدین قرار دارند، بنابراین تشویق آن‌ها برای جهت دادن به یادگیری چندان آسان نخواهد بود. از این گذشته بسیاری از والدین و دیگر اعضای خانواده با شیوه‌های یادگیری خودانگیخته آشنایی ندارند. در برخی موارد هم می‌ترسند اگر به بچه‌هایشان آزادی بیش‌تر دهند تا آنان به شیوه خودشان واقعیت‌ها را کشف و دریافت کنند، چیزهای اشتباهی را یاد بگیرند یا بچه‌ها آن‌چه را هدف آن‌هاست، نیاموزند.

وقتی پاداش غیر منتظره‌ای که کودک یا نوجوان در قبال

به هنگام ساختن اسباب‌بازی یا چیزهای دیگر، والدین باید دقت کنند که دخالت آنان در کارهای کودکان هر اندازه کم‌تر باشد، بهتر است. برای مثال اگر کودکی مشغول ساختن اسباب‌بازی است، نباید والدین به بهانه‌های مختلف عقاید و سلیقه خود را به کودک تحمیل کنند. بهتر است او را آزاد بگذارند تا بتواند تصورهای تخیلات و ابتکارات خود را به طور طبیعی نشان دهد.

از این رو بچه‌ها می‌توانند روابط دست نیافتنی و دور را دست کاری کرده، به احتمالات ذهنی متعدد دست یابند. باید ذهن بچه‌ها عادت کند که خیلی زود قضاوت نکند و به اولین و راحت‌ترین راه قانع نگردد. والدین باید به بچه‌ها اجازه دهند تا دیدگاه‌های خود را عرضه کنند و از زوایای مختلف به موضوع نگاه کنند. به فرزندان باید بیاموزند که برای هر موضوع نظریات جدیدی مطرح کنند و برای هر مسئله راه‌حل‌های زیادی در نظر بگیرند.

#### ۱۴- سرکوبی خیال‌بافی کودکان

تخیل نوعی تفکر آزاد است که ضمن آن ذهن فرد متوجه حل یک مسئله واقعی، به گونه‌ای که در عالم خارج وجود دارد، نمی‌شود. با بهره‌گیری از تخیل که خمیرمایه خلاقیت است، دنیایی بزرگ و پهناور در مقابل چشمان کودک گشوده می‌شود و او قادر می‌گردد آزادانه خیال‌پردازی کند. خلاقیت شکلی از تخیل کنترل شده است که به نوعی ابداع و نوآوری منجر می‌شود. (افروز، ۱۳۷۱)

بسیاری از والدین خیال‌پردازی و خیال‌بافی کودکان را نشانه نبود سلامت روانی می‌دانند که باید از بین برود. خیال‌بافی‌هایی همچون بازی در نقش خیالی، گفتن داستان‌های تخیلی و کشیدن تصاویر غیر معقول را باید از جمله جنبه‌های طبیعی تفکر کودک تلقی کرد. (کاکیا، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

خلاقیت و ابتکار کودک غالباً در زمان‌هایی شکوفا می‌شود که کودک آزادی عمل دارد و می‌تواند قوه تخیل خویش را برای ساختن چیزی به کار اندازد.

#### ۱۳- قانع بار آوردن کودکان

بچه‌ها باید اجازه داشته باشند نظریات و افکارشان را تغییر دهند و تا می‌توانند حدس بزنند. والدین باید بگذارند ذهن و توانایی تجسم و تصور بچه‌هایشان وحشی باشد، و به هر سو که می‌خواهد برود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

والدین باید این نکته را مدنظر داشته باشند که تا کودکی بر سر پرده و سرنگ  
 اسپاسمانووی‌های نامناسب، سعی کنند تا در اختیار قرار ندادن آنها به این دلیل  
 هیچ‌گاه و وسایل اضافی و دور ریختنی. زیرا ساروفتگی، خلاقیت، ابتکار  
 نوآوری کودک را فراهم کنند.

#### ۱۵- تأکید بسیار بر نمره امتحانی

یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا در بالندگی  
 قوه خلاقیت و نوآوری کودکان و نوجوانان  
 تأکید بسیار والدین بر کسب نمره عالی و بیست  
 است. تحت فشار قرار دادن کودکان برای هم  
 نوایی با جمع و ریشخند کردن آنان برای  
 پاسخ‌های غیر معمول و غیر کلیشه‌ای، سد راه  
 خلاقیت کودکان است. (همان، ص ۳۶)

#### راه‌کارها و پیش‌نهادهای

همان‌گونه که در بررسی علل تضعیف  
 قوه خلاقیت و ابتکار مطرح شد، عوامل  
 گوناگونی در بروز این پدیده نقش دارند. به  
 منظور بهینه‌سازی وضعیت رشد خلاقیت  
 کودکان و نوجوانان در حوزه خانواده و رفع  
 موانع و آسیب‌های آن پیش‌نهادهای و  
 راه‌کارهایی به صورت زیر ارائه می‌گردد.  
 امید است که مورد توجه و عنایت والدین و  
 اولیای گرامی قرار گیرد:

- ۱- والدین باید به کودکانشان احترام  
 بگذارند و به توانمندی‌های آنان معتقد باشند.
- ۲- به آن‌ها آزادی عمل دهند، زیرا  
 خلاقیت و ابتکار کودک غالباً در زمان‌هایی  
 شکوفا می‌شود که از آزادی عمل برخوردار  
 باشد.
- ۳- والدین باید به کودکان اجازه دهند  
 به طور خود جوش و خلاقانه به کارهای  
 مورد علاقه خویش بپردازند. آنان می‌توانند

شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 جامع علوم انسانی



با تکیه بر توانایی‌ها و شیوه‌های یادگیری فرزندان، با ملایمت و احتیاط فعالیت‌های آنان را هدایت کنند.

۴- والدین می‌توانند نیروی تخیل کودک را به کار بگیرند؛ یعنی دو موضوع ناهمگون و نامربوط را برای کودک مطرح کنند و از او بخواهند که ارتباطی بین آن‌ها پیدا کند. این گونه فعالیت‌های مغزی موجب رشد قوه تخیل و ابتکار در کودک می‌شود.

۵- والدین باید خود به عنوان الگویی خلاق برای فرزندان‌شان

باشند؛ زیرا تحقیقات بی‌شماری نشان داده است که اگر کودکان الگوی خلاق داشته باشند، خلاقانه‌تر عمل می‌کنند.

۶- والدین باید نظارت و مراقبت خود را نسبت به کودکان کاهش دهند. اگر کودکان و نوجوانان تحت مراقبت و نظارت شدید والدین باشند، فرایند خلاقیت در آن‌ها کاهش می‌یابد و از ترس این که مورد نکوهش پدر و مادر قرار گیرند، از انجام کارهای مورد نظرشان منصرف خواهند شد.



کودک آزادی خلاقانه‌تری را نسبت به وسایل دو بعدی دیگر نظیر نقاشی و طراحی به دست می‌آورد. هنگام استفاده از گل کودک آزاد است تا اشکالی را خلق کند که واقعی، خیالی یا نمادین باشند؛ لذا به والدین توصیه می‌شود در فضایی مناسب از خانه، خاک رس و شن را قرار دهند تا در فرصت‌هایی که کودک مایل است با آن‌ها بازی کند.

۱۹- و بالاخره والدین نباید کودکان را قربانی عادت کنند. اگر فرزندان در حل مسایل روشی را انتخاب کنند که فقط در یک چارچوب خاص قرار بگیرد و همیشه بخواهند طبق آن الگو جلو بروند، به آن عادت کرده، بدون تفکر و تعمق به حل مسایل می‌پردازند؛ بنابراین فکر خود را محدود کرده، به خلاقیت که لازمه‌اش تفکر و تعقل است، نخواهند رسید. برای تداوم بروز قوه خلاقیت، والدین باید کودکان و نوجوانان را به نحوی از عادت‌های در آینده افرادی خلاق، مبتکر و کارا باشند.

### فهرست منابع:

- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱): مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اقبالی تبریزی، محمود (۱۳۷۰): روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات کویر.
- برینگل، میاکلمر (۱۳۸۰): ترجمه نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، تهران، انتشارات رشد.
- بک، جان (۱۳۷۱): چگونه فرزند با هوش تربیت کنیم، ترجمه ع - شایق، تهران، انتشارات کویر.
- سلحشور، ماندانا (۱۳۸۳): آیا می‌دانید چگونه می‌توان کودکانی خلاق تربیت کرد؟ ماهنامه پیوند، شماره ۳۰۱، تهران انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- قائمی، علی (۱۳۷۰): خانواده و نیازهای کودکان، تهران، انتشارات امیری.
- کاکیا، لیدا (۱۳۸۳): منابع خلاقیت، ماهنامه تربیت، شماره ۴، تهران، انتشارات تربیت.
- کریمیان، حسین (۱۳۸۳): خلاقیت، ماهنامه معرفت، شماره ۸۴، قم.
- مطهری، محمد رضا (۱۳۸۲): بگذارید کودکان اسباب بازی بسازند، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۴۲، قم.

نعمت فشار قرار دادن کودکان  
برای همه نوعی با جمع و ریشخند  
کردن آنان برای پاسخ‌های  
شمار معمول و غیرکلیشه‌ای. بعد از آن  
خلاقیت کودکان است.

۷- والدین باید فرزندان خود را آن گونه که هستند تربیت و آماده کنند، نه آن گونه که می‌خواهند.

۸- والدین باید برای اتخاذ تصمیم به کودکان آزادی دهند.  
۹- والدین باید به فرزندان بیاموزند که برای حل هر مسئله تنها به یک راه حل فکر نکنند و به دنبال راه‌حل‌های جدیدتر و متنوع‌تر باشند.

۱۰- حس اعتماد به نفس و خودباوری را در کودکان تقویت کنند.

۱۱- به سؤالات فرزندان احترام بگذارند و آن‌ها را راهنمایی کنند تا خودشان جواب سؤالات را پیدا کنند.

۱۲- به کودکان نشان دهند که عقایدشان دارای ارزش است.

۱۳- اگر والدین بخواهند در زمینه پیشرفت فرزندان سؤال کنند، باید سؤالاتی را بپرسند که با «چرا» و «چگونه» آغاز می‌شود نه با «کجا»، «چه کسی» و «چه وقت». سؤال‌هایی که دارای جواب‌های متعدد باشد، موجب تفکر و اگر و ایجاد خلاقیت در کودکان و نوجوانان می‌شود.

۱۴- والدین باید کودکان و نوجوانان را به «حدس زدن» ترغیب و تشویق کنند.

۱۵- به تفاوت‌های فردی فرزندان توجه کنند.

۱۶- از تحمیل یک الگوی خاص بپرهیزند.

۱۷- والدین نباید در خرید و تهیه اسباب بازی‌های آماده افراط کنند.

۱۸- والدین کودکان را به بازی با گل تشویق کنند؛ زیرا گل وسیله‌ای سه بعدی است. هنگام کار با این وسیله،